

در امتداد تاریکی

## دختر عاشق، دزد شد!

اگر چه پدرم به جرم سرقت در زندان و کبل آباد مشهد تحمل کیفر می کند اما من فقط در یک ماجرای عاشقانه در گیر پرونده ای شدم که نقشی در سرقت لوازم نداشتم اما...

به گزارش خراسان، دختر ۱۵ ساله با بیان این که اگر پدرم بالای سرم بود شاید راه خطا نمی رفتم یا اگر گوشی تلفن هوشمند داشتم ترک تحصیل نمی کردم، درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: زندگی خانوادگی من آن قدر آشفته است که هر کدام سرگذشت اسفباری داریم. پدرم اکنون به جرم سرقت در زندان به سر می برد و مادر من نیز برای تامین هزینه های زندگی در خانه های مردم کارگری می کند. برادر هم دو سال قبل در یک نزاع مستانه با ضربات چاقو به قتل رسید به همین دلیل من بیشتر اوقاتم را در خانه مادر بزرگم می گذراندم و تقریباً آن جاذبگی می کردم اما خاله ام که زنی معتاد است و زندگی بی سروسامانی داشت، از همسرش طلاق گرفت و به خانه مادر بزرگم بازگشت. طولی نکشید که او منزل مادر بزرگم را به پاتوق خلافکاران تبدیل کرد به طوری که افراد معتاد زیادی به آن جارت آمد می کردند.

در میان این افراد جوان ۱۸ ساله ای به نام «احسان» بود که برای مصرف مواد مخدر به خانه مادر بزرگم می آمد. من هم که به دلیل نداشتن گوشی هوشمند بعد از آنلاین شدن کلاس های درسی، ترک تحصیل کرده بودم همه روزها را در خانه مادر بزرگم می گذراندم تا این که حدود ۱۵ روز قبل احسان به من پیشنهاد دوستی داد. من که دختری سرخورده و لاغر اندام بودم از این پیشنهاد که در عجب کر دم چرا که همه اطر اقیان همسرانم مرا به خاطر لاغری زیاد مسخره می کردند. وقتی احسان از من تعریف و تمجید می کرد انگار در آسمان ها پرواز می کردم، به همین دلیل خیلی زود به او علاقه مند شدم و پیشنهادش را پذیرفتم چرا که باورم نمی شد پسری از زیبایی های من تعریف کند. چند روز بعد زمانی که احسان مشغول مصرف مواد مخدر بود، یک سیگاری (بنگ) هم به من تعارف کرد البته من قبل از آن از سیگار های پدرم استفاده کرده بودم اما هیچ وقت مواد مخدر از نوع بنگ را تجربه نکرده بودم، به همین دلیل با آن که در مصرف مواد مخدر تردید داشتم ولی می ترسیدم پاسخ منفی به احسان بدهم چرا که او مدام از من تمجید می کرد و من نمی خواستم با این رفتارم او را ناراحت کنم. هر کاری از من می خواست چشم و گوش بسته انجام می دادم تا او را دست ندهم. حالا دیگر با هم بیرون می رفتیم و در پارک و خیابان قدم می زدیم حتی یک روز وقتی احسان برایم آب میوه خرید آن قدر خوشحال شدم که انگار همه دنیا را به من داده اند. از این که احساس می کردم کسی مرا دوست دارد، در پوست خودم نمی گنجیدم. از آن روز به بعد احسان همواره مرا سوار خودرو می کرد و در مسیر دورزدن از من می خواست درون خودرو بنشینم تا او از دوستش چیزی بگیرد. من هم که نمی دانستم او چه می کند، با او همکاری می کردم تا این که یک شب وقتی درون خودروی احسان نشسته بودم ناگهان نیروهای گشت کلانتری به ما مشکوک شدند و فرمان ایست دادند اما احسان با دیدن پلیس، گاز خودرو را فشرده و فرار کرد. او با سرعت زیاد از خیابان ها عبوری می کرد و به تیراندازی های نیروی انتظامی توجهی نداشت. وقتی چند گلوله به بدنه خودرو اصابت کرد احسان بیرون پرید و در تاریکی شب فرار کرد اما من با مقدار زیادی لوازم سرقتی که درون خودروی احسان بود دستگیر شدم. حالا هم هیچ کس حرف مرا باور نمی کند که من در سرقت نقشی ندارم و حتی شماره تلفن احسان را هم نمی دانم و... گزارش خراسان حاکی است به دستور سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) تلاش نیروهای تجسس کلانتری برای دستگیری سارق فراری آغاز و دختر نوجوان نیز برای طی مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

در صورتی که در این پرونده هیچ مدرکی در دسترس نیست، به نظر می آید که دختر نوجوان به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی به این کار متوسل شده است.

## ماجرای پرسه زنی با موتورسیکلت های سرقتی برای دستبرد به خودروها

# بزن بریم سرقت!

اختصاصی خراسان

رئیس کلانتری آبکوه) وارد مرحله جدیدی

شد و ادامه تحقیقات را گروه ورزیده ای از

افسران دایره تجسس بر عهده گرفتند. با

کشف چند دستگاه کامپیوتر خودرو از زیر

پیراهن یکی از متهمان، مشخص شد که پلیس

های سرقتی به پرسه زنی در خیابان های

خلوت می پرداختند و در قرارهای صبحگاهی

به اموال مردم دستبرد می زدند.

به گزارش اختصاصی خراسان، ماموران

کلانتری آبکوه مشهد که در راستای

مبارزه قاطعانه با سرقت های خرد در حوزه

استحفاظی وارد عملیات های پلیسی

شده بودند سرنشینان نقابدار یک دستگاه

موتورسیکلت را در خیابان شهید ساجدی

مشاهده کردند که در اطراف خودروهای

پارک شده پرسه می زدند.

نیروهای گشت انتظامی که با دستورات ویژه

سرهنگ حسین دهقان پور (فرمانده انتظامی

مشهد) دامنه مبارزه با جرم را در ماه مبارک

رمضان به کوچه پس کوچه های شهر کشانده

بودند، دو جوان موتورسوار را زیر نظر گرفتند.

در همین حال ناگهان سرنشین موتورسیکلت

متوجه نیروهای انتظامی شد و بدین ترتیب

موتورسواران نقابدار به سمت بزرگراه آسیایی

گریختند. اعلام همزمان نیروهای گشت

از مرکز فرماندهی پلیس نیز بیانگر آن بود

که موتورسیکلت مذکور دارای سابقه سرقت

است بنابراین ماموران به تعقیب موتورسواران

پرداختند تا این که به خاطر سرعت زیاد و

لغزندگی خیابان ها به دلیل بارش باران،

کنترل موتورسیکلت از دست راکب آن خارج

و واژگون شد. با دستگیری دو جوان نقابدار

عملیات تخصصی نیروهای انتظامی با هادایت

و نظارت مستقیم سرهنگ ابراهیم خواجه پور

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دیدیم.

نیزوهای کلانتری آبکوه دید